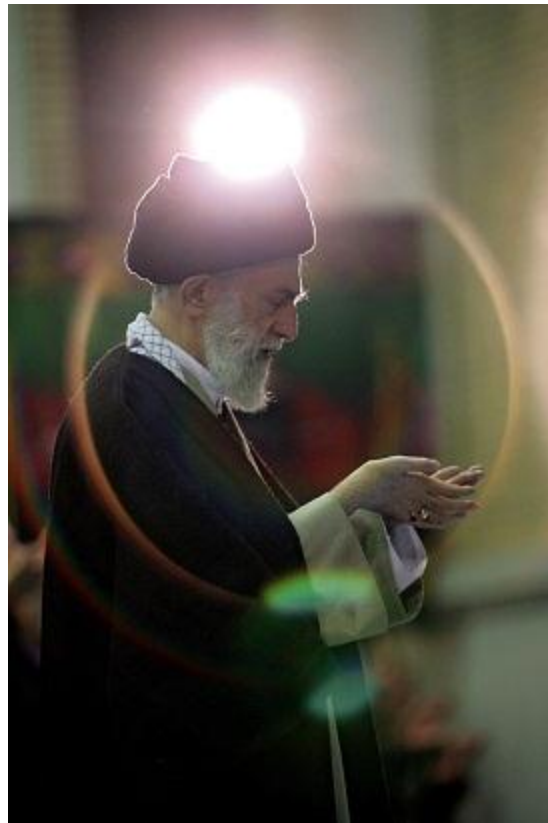


فرازهائی از بیانات مقام معظم رهبری امام خامنه ای درباره ماه مبارک رمضان



درسهای ماه مبارک رمضان

به برکت ماه رمضان، برای مسلمان فرصتی پیش می آید که باید از آن در جهت تقویت حیات معنوی و نشاط مادی خود استفاده کند. یکی از درسهای بزرگ ماه رمضان که در خلال دعا و روزه و تلاوت قرآن در این ماه باید آن را فرا بگیریم و استفاده کنیم، این است که با چشیدن گرسنگی و تشنگی، به فکر گرسنگان و محرومان و فقرا بیفتیم. در دعای روزهای ماه رمضان می گوئیم: «اللهم اغن كل فقير. اللهم اشبع كل جائع. اللهم اكس كل عريان». این دعا فقط برای (مفاتیح الجنان: دعای یومیه ماه مبارک رمضان (خواندن نیست؛ برای این است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره محرومان و مستضعفان موقوفه بدانند. این مبارزه، یک وظیفه همگانی

است. در آیات قرآن می‌خوانیم: «أرأيت الذي يكذب بالدين. فذلك الذي يدع اليتيم. و لا يحض على طعام المسكين» (ماعون: 3 - 1). یکی از نشانه‌های تکذیب دین این است که انسان در مقابل فقر فقیران و محرومان بی‌تفاوت باشد و احساس مسئولیت نکند. در ماه رمضان، به برکت روزه، طعم گرسنگی و تشنگی و نرسیدن به آنچه اشتجای نفس انسان است را درک کردیم و چشیدیم. این باید ما را به احساس مسئولیتی که اسلام در قبال مسئله مهم فقر و فقیر از یکایک مسلمانان خواسته است و بر دوش آنان وظیفه نهاده است، نزدیک کند

همه باید خود را موقوف به مواسات بدانند. مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیتها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آنها دراز کردن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسانهایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر این که یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی است

به همسایه‌ها و فقرا رسیدگی کنید. یکی از عواملی که نمی‌گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. برای جامعه بلای بزرگی است که میل به مصرف، روز به روز در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مُد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن، تشویق شوند. چه ثروتها و پولهایی که در این راهها هدر می‌رود و از مصرف شدن در جایی که موجب رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است، باز می‌ماند

فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز عید فطر 1381 /9/15

آموزه‌های عملی از ماه مبارک رمضان

آنچه که من به مردم عزیزمان در این خطبه عرض می‌کنم، این است که بزرگترین درس ماه رمضان، خودسازی است. اولین و مهمترین قدم خودسازی هم این است که انسان به خود و به اخلاق و رفتار خود با نظر انتقادی نگاه کند؛ عیوب خود را با روشنی و دقت ببیند و سعی در برطرف کردن آنها داشته باشد. این از عهده خود ما برمی‌آید و این تکلیفی بر دوش ماست

به مردم عرض می‌کنم: به هم رحم کنید تا خدای متعال به شما رحم کند. کسانی که دستشان باز است، دست تعدی به سمت منافع و مصالح دیگران دراز نکنند. کسانی که زرنگی و هوش و امکانات و قدرت و مسئولیت و توانایی‌های گوناگون فردی و اجتماعی دارند، از این تواناییها در راه تعدی به دیگران استفاده نکنند. خود را بنده خدا بدانیم؛ در مقابل بقیه بندگان خدا، خود را موقوف به همراهی، احسان، نیکی و رعایت انصاف بدانیم؛ آن‌گاه باران رحمت و فضل خدا

بر سر ما خواهد بارید؛ ما را شستشو خواهد داد و بر کات خود را بر ما نازل خواهد کرد. البته این وظیفه همه است؛ ولی کسانی که در جامعه تمکن و قدرت و مقام و ثروت و نفوذ کلمه‌ای در میان مردم دارند، بیش از دیگران در مقابل این بار سنگین - بار خودسازی و محدود کردن قوای خود از تجاوز به دیگران - مسئولند.

فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز عید سعید فطر 1380/9/25

در باب ماه رمضان، چند جمله از دعای چهل و چهارم «صحیفه سجادیه»، که مربوط به همین ماه است، انتخاب کرده‌ام و ان شاء الله، همین چند جمله را برای شما ترجمه می‌کنم. اما قبل از آن، خواهش می‌کنم عزیزان من، بخصوص جوانان، با صحیفه سجادیه انس بگیرند؛ زیرا همه چیز در این کتاب ظاهراً دعا و باطناً همه چیز، وجود دارد. امام سجّاد علیه‌السلام و السلام، در این دعا هم مثل بقیه دعاهای صحیفه سجادیه، با این که در مقام دعا و تضرع است و با خدای متعال حرف می‌زند، اما سخن گفتنش، کأنه از یک روال استدلالی و ترتیبی مطلب بر دلیل و معلول بر علت، پیروی می‌کند. اغلب دعاهای صحیفه سجادیه - تا آن جا که بنده سیر کرده‌ام - همین حالت را دارد. همه چیز مرتب و چیده شده است. مثل این است که یک نفر، در مقابل مستمعی نشسته و با او به صورت استدلالی و منطقی حرف می‌زند. همان ناله‌های عاشقانه هم که در صحیفه سجادیه آمده است، همین حالت را دارد.

در این جا نیز همین طور است. امام در اول دعای مورد اشاره می‌فرماید: «الحمد لله الذی جعلنا من اهله» (دعای 44 صحیفه سجادیه) «ما را اهل حمد قرار داد». ما از نعم الهی غافل نیستیم، و او را حمد و شکر می‌کنیم. او راههایی در مقابل ما باز کرده است، که به حمدش برسیم. همچنین، غایات و راههایی معین فرموده و ما را در این راهها به رفتن واداشته است.

بعد می‌رسد به این جمله: «والحمد لله الذی جعل من تلک السبیل شهره شهر رمضان»؛ «حمد خدای را که یکی از این راههایی که ما را به او؛ به کمال و به بصیرت نسبت به معدن عظمت می‌رساند، همین ماه رمضان است». امام تعبیر می‌کند به «شهره»؛ یعنی «شهر خودش». شهر خدا را یکی از این راهها قرار داد. خیلی پر معناست. اگر فکر کنیم همه ماهها ماه خدا و مال خداست؛ وقتی که مالک همه وجود، بخشی از وجود را معین می‌کند و آن را به خود نسبت خاص می‌دهد، معلوم می‌شود نسبت به این بخش، توجه و عنایت ویژه‌ای دارد. یکی از این بخشها، همین «شهر الله» است؛ شهر خدا، ماه خدا. خود این نسبت، در فضیلت ماه رمضان، کافی است. «شهر رمضان، شهر الصیام و شهر الاسلام». ماه روزه؛ ماهی که روزه آن، یکی از ابزارهای بسیار کار آمد برای تهذیب نفس است؛ چرا که در آن گرسنگی کشیدن و با هوسها و اشتهاها مبارزه کردن نجفته است.

شهر اسلام، یعنی شهر «اسلام الوجه لدى الله»؛ «در مقابل خدا تسلیم بودن» خوب؛ انسانی جوان است و وقتی روزه می‌گیرد، گرسنه است، تشنه است و تمام غرایز، او را به سمت هوس و اشتجایی می‌خواند. ولی او، در مقابل همه این غرایز می‌ایستد. برای چه؟! برای اجرای امر پروردگار. و این، تسلیم در مقابل پروردگار است. در هیچ روزی از روزهای سال، یک مسلمان، به طور عادی، این همه در مقابل خدا تسلیم نیست که در روزهای ماه رمضان به طور عادی تسلیم است. پس، «شهر اسلام» شهر تسلیم است.

آموزه‌های عملی از ماه مبارک رمضان

امام، در ادامه دعا می‌فرماید: «و شهر الظهور»؛ «شهرِ پاکیزه کننده است». در این ماه، عواملی وجود دارد که روح ما را پاک و طاهر می‌کند. آن عوامل چیست؟ یکی روزه است؛ یکی تلاوت قرآن است و یکی دعا و تضرع است. این همه دعاها، از ذائقه طیبه و طاهره‌ای است از مائده‌های ضیافت الهی که خدای متعال در این ضیافت یک ماهه خود، مقابل مردم گذاشته است. مضمون کلام امام این است که خدا در این ضیافت، با روزه از شما پذیرایی می‌کند

بعد می‌فرماید: «و شهر التّحصین»؛ این ماه، ماه تمحیص است. «تمحیص» یعنی چه؟ یعنی خالص کردن. مقصود این است که در این ماه، ناب و خالص شویم

این ماه، ماه خالص شدن است و اگر درست نگاه کنیم، خالص شدن در این ماه، از راههای دیگر خالص شدن، آسان تر است. ما با همین روزه و مبارزه کردن با نفس، می‌توانیم خودمان را خالص کنیم. اغلب گمراهی‌هایی که وجود دارد، یا به خاطر گناهی است که از ما سر می‌زند و یا به خاطر خصلت‌های زشتی است که در وجود ما نهفته است

فرازی از بیانات مقام 0معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه سوم رمضان 1415 - 1373/11/14

ماه رمضان در هر سال، قطعه‌ای از بهشت است که خدا در جهنم سوزان دنیای مادی ما آن را وارد می‌کند و به ما فرصت می‌دهد که خودمان را بر سر این سفره الهی در این ماه، وارد بهشت کنیم. بعضی همان سی‌روز را وارد بهشت می‌شوند. بعضی به برکت آن سی‌روز، همه سال را و بعضی همه عمر را. بعضی هم از کنار آن، غافل عبور می‌کنند که مایه تأسف و خسران است. حالا برای خودشان که هیچ، هر کس که ببیند این موجود انسانی، با این همه استعداد و توانایی عروج و تکامل، از چنین سفره با عظمتی استفاده نکند، حق دارد که متأسف شود. این، ماه رمضان است. ماه ضیافت الله است. ماه لیلۃ القدر است

از بزرگترین اهداف روزه ماه رمضان - یا شاید بشود به یک معنا گفت: «تمام الهدف» - تقواست. «لعلکم تتقون.» و این دست ماست. مردم باید هر کدام خودشان، و اگر بتوانند دیگران را اصلاح کنند. این، مخصوص معممین نیست. لکن علما و روحانیون و خطبا و وعاظ آمادگی دارند. خدای متعال به آنها این بیان، این امکان، این ذهن، این موقعیت اجتماعی و این لباس را داده است؛ و ما باید از آن استفاده کنیم. از جمله چیزهایی که در این ماه رمضان عادی است، این عبارت صریح خدای متعال است که «لیلة القدر خیر من الف شهر، تنزل الملائكة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر، سلام هی حتی مطلع الفجر.» (قدر: 5-3) یک شب تا صبح، مظهر سلام الهی است. همان «سلام قولاً من رب رحیم» (یس: 58) که مخصوص مؤمنین است. مخصوص اهل بهشت است. مخصوص بندگان خالص خداست. این، در اختیار ماست که استفاده کنیم. این، آن کلمه‌ای است که من می‌خواهم در باب ماه رمضان عرض کنم. این، کلید اصلاح همه امور است؛ و از این جا شروع می‌شود. کما این که اصل انقلاب از این جا شروع شد: از مسجد و دین

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روحانیان و مبلغان اعزامی به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان

17/11/1372

ماه رمضان فرصت خوبی برای خودسازی است. ماهمان ماده‌ی خام هستیم که اگر روی خودمان کار کردیم و توانستیم این ماده خام را به شکلهای برتر تبدیل کنیم، آن کار لازم در زندگی را انجام داده‌ایم. هدف حیات همین است. وای به حال کسانی که روی خودشان از لحاظ علم و عمل کاری نکنند و همان‌طور که وارد دنیا شدند، به اضافه پوسیدگیها و ضایعات و خرابیها و فسادها که در طول زندگی برای انسان پیش می‌آید، از این دنیا بروند. مؤمن باید به‌طور دائم روی خودش کار کند؛ به‌طور دائم. نه اینکه خیال کنید «به‌طور دائم» زیادی است یا نمی‌شود؛ نه. هم می‌شود، هم زیادی نیست. اگر کسی مراقب خود باشد؛ مواظب باشد کارهای ممنوع و کارهایی را که خلاف است انجام ندهد و راه خدا را با جدیت ببیماید. موفق می‌شود. این، همان خودسازی دائمی است و برنامه اسلام، متناسب با همین خودسازی به‌طور دائم است. این نماز پنجگانه - پنج وقت نماز خواندن - ذکر گفتن؛ «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را تکرار کردن؛ رکوع کردن؛ به خاک افتادن و خدای متعال را تسبیح و تحمید و تهلل کردن برای چیست؟ برای این است که انسان به‌طور دائم مشغول خودسازی باشد. منتها گرفتاریها زیاد است و همه گرفتاریم. گرفتاری زندگی؛ گرفتاری معاش؛ گرفتاری امور شخصی؛ گرفتاری اهل و اولاد. و انواع گرفتاریها مانع می‌شود که ما به خودمان، آن چنان که شایسته است، برسیم. لذا یک ماه رمضان را که خدای متعال قرار داده است، فرصت مغتنمی است. این ماه را از دست ندهید. مقصودم این است که اگر نمی‌توانیم به‌طور دائم در حال مراقبت و ساخت و ساز خودمان باشیم، اقلّاً ماه رمضان را مغتنم بشماریم. شرایط هم در ماه رمضان آماده است. یکی از بزرگترین شرایط، همین روزه‌ای است که شما می‌گیرید. این، یکی از بزرگترین توفیقات الهی است. توفیق یعنی

چه؟ توفیق یعنی این که خدای متعال چیزی را برای انسان، مناسب بیاورد. با واجب کردن روزه، خدای متعال زمینه مناسبی را برای من و شما به وجود آورده است که قدری در این ماه به خودمان برسیم. روزه، نعمت بزرگی است. شکم خالی است و مبارزه با نفس، تا حدودی در اثنای روز، از جهات مختلف وجود دارد؛ هر چه را دوست دارید، نمی‌خورید و نمی‌آشامید و بسیاری از مشتبهات نفسانی را برای خودتان به مدت چند ساعت ممنوع می‌کنید. این، یک مبارزه با نفس است؛ مبارزه با هواست، و مبارزه با هوا، در رأس تمام کارهای نیک و خودسازیها قرار دارد.

ماه رمضان زمینه بسیار خوبی است و خدای متعال این فرصت را به من و شما داده که در این ماه، چنین امکانی را برای خودسازی پیدا کنیم. علاوه بر این که ساعات این ماه بسیار با برکت است و خدای متعال، از لحاظ طبیعی این لحظات و ساعات را این گونه قرار داده است. ساعات بسیار مغتنمی هم هست. یک رکعت نماز شما، یک کلمه ذکر «سبحان الله» شما؛ مختصر صدقه دادن شما، و یک صله رحم کوچکی که در این ماه بکنید، مزیتی چند برابر بیشتر از همین امور، وقتی در غیر ماه رمضان انجام می‌شود، دارد. این، فرصت بسیار خوبی است. زمینه خوبی است که انسان در این ماه به خودش برسد.

حقیقت اخلاص

یکی از ویژگیها که بسیار مهم است تا برای خود سازی به آن توجه کنیم و شاید جنبه تقدیمی هم داشته باشد. ... «اخلاص» است. اخلاص عبارت است از کار را خالص انجام دادن و این که کاری را مغشوش انجام ندهیم. گاهی هست که کسی عبادت نمی‌کند و گاهی عبادت می‌کند؛ اما مغشوش و ناخالص. این هم مثل آن است. خالص بودن عبادت و ... خالص بودن عمل، این است که برای خدا باشد.

من روایتی را در باب اخلاص یادداشت کرده‌ام که برایتان می‌خوانم. از پیغمبر اکرم صلوات الله وسلامه علیه نقل شده است که فرمود: «ان لكل حق حقیقتاً». هر چیزی دارای حقیقتی است و یک روح و یک معنا و یک حقیقت دارد و مبالغه عبد حقیقه الاخلاص.. بنده به حقیقت اخلاص و به آن معنای حقیقی اخلاص نمی‌رسد «حتی لایحب ان یحمد» علی شیء من عمل لله. «این خیلی سخت است؛ این، مرتبه‌اش از آن مراتب بسیار بالاست) مگر این که دوست نداشته ... باشد که مردم او را برای هیچ یک از کارهایی که برای خدا انجام می‌دهد، ستایش کنند

من، این صفت و این روحیه را در امام رضوان الله تعالی علیه، در بسیاری از موارد مشاهده کردم. در موارد متعددی، بنده این خصوصیت را در ایشان دیده بودم. کاری نداشت که کسی خوشش می‌آید یا خوشش نمی‌آید. تکلیفش را انجام می‌داد. وقتی که بار سنگین است؛ وقتی که کار بزرگ است؛ وقتی که کار خطرناک است، اخلاص بیشتر به کار می‌آید.

آموزه‌های عملی از ماه مبارک رمضان

من به ذهنم رسید که این توصیه را هم عرض کنم که این نوافل سی و چهار رکعتی که برای نمازهای روز و شب وارد شده است، بسیار با ارزش است. ماه رمضان فرصت خوبی است. ما غالباً اهل نوافل نیستیم. ولی ماه رمضان که می‌شود، چه مانعی دارد؟ کدام کار با دهان روزه، بهتر از نماز خواندن؟ چهار رکعت نماز ظهر است، قبل از این چهار رکعت، هشت رکعت نافله دارد؛ چهار دو رکعتی. چهار رکعت نماز عصر است و قبل از این چهار رکعت، هشت رکعت نافله نماز عصر است. این نوافل را بخوانید. همچنین نوافل مغرب را که از اینجا مهمتر است؛ و نیز نوافل شب که یازده رکعت است. همچنین نافله صبح که دو رکعت است. کسانی هستند که در ایام معمولی سال، برایشان مشکل است پیش از اذان صبح برای نماز شب بیدار شوند. ولی در این شبها، به طور قهری و طبیعی بیدار می‌شوند. این یک توفیق الهی است. چرا از این توفیق استفاده نکنیم؟ ان شاء الله فرصتهای ماه رمضان را مغتنم بشمارید.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در روز اول ماه مبارک رمضان 4/12/1371

برکات عجیبی در ماه رمضان وجود دارد

ماه رمضان، ماه پُربرکتی است و دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. معارفی که در این ماه راجع به قرآن و دعا و ذکر و نماز و مسایل مختلف دینی برای ذهن مسلمین است و در همه جای دنیا مطرح می‌شود و مسلمان در این ماه این توفیق را پیدا می‌کند که به این مسایل بپردازد - چه عملاً و چه اعتقاداً - به طور معمول در هیچ ماه دیگری چنین توفیقی دست نمی‌دهد.

برکات عجیبی در این ماه وجود دارد. من در فهرست مسایلی که مناسب با این ماه است، تأمل می‌کردم، دیدم که این ماه، ماه دعا‌های گوناگون، با مضامین گوناگون است. ... انس با قرآن، آشنایی با معارف قرآنی، حفظ کردن قرآن، تکرار کردن قرآن هم که خودش مقوله‌ی جداگانه و دریایی عظیم است. سایر موارد هم همین‌طور است.

توجه به زندگی امیرالمؤمنین، یکی از برکات ماه رمضان

یکی از موضوعاتی که حقیقتاً از برکات این ماه است، توجه به زندگی امیرالمؤمنین و مولی‌المتقین، علی بن ابی‌طالب (علیه‌الصلاة والسلام) است. ما هیچ‌وقت این قدر توفیق پیدا نمی‌کنیم که به زندگی امیرالمؤمنین دقیق بشویم و مفاهیم مختلف و ابعاد عظیم این زندگی را مورد مطالعه قرار بدهیم. نه مردم معمولی، نه گویندگان و بخصوص

مسئولان کشور اسلامی - که امروز بیش از همه به این مطالعه و شناخت احتیاج دارند - این فرصت را در ماههای دیگر کمتر به دست می آورند. هر کس هر مسئولیتی دارد - از بالا تا پایین - احتیاج دارد که با زندگی امیرالمؤمنین و ابعاد و ریزه کاری های آن آشنا بشود

فرازی از سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان) 1370/1/26

مسئله ای اساسی در باب ماه رمضان، این است که بشر - که در میان انواع عوامل و موجبات غفلت از خدا و از راه او محاصره شده و انگیزه های گوناگون، او را به سمت پایین و تنزل و سقوط می کشاند - فرصتی پیدا کند که در آن بتواند روح را - که روح انسان و باطن بشر، به عروج و اعتلا تمایل دارد - به سمت عروج و اعتلا سوق دهد و به خدا تقرب جوید و به اخلاق الهی، تخلق پیدا کند. ماه رمضان، چنین فرصتی است

البته غیر از ماه رمضان، فرصتهای دیگری هم هست. مثلاً همین نمازهای پنجگانه، فرصتهایی است که ما می توانیم با استفاده ای از آنها، عروج کنیم؛ خودمان را اصلاح نماییم و زنگارها و پوسیدگیها و غفلتها و بیماریهای معنوی را از خودمان دور کنیم. نماز، فرصت بسیار خوبی است. شما اگر امتحان نکرده اید - که قاعدتاً امتحان کرده اید و ان شاء الله عمل دائمی شما، همین طور باشد - امتحان کنید. توجه بکنید که در حال نماز، اگر متوجه خودتان و کاری که از شما سر می زند، باشید، قطعاً بعد از نماز شما، با قبل از نماز شما متفاوت خواهد بود. شرطش همین است که توجه کنید در حال نماز، مشغول چه کاری هستید. بهترش این است که اذکار نماز را بفهمید؛ کار بسیار آسانی است

نماز، معراج مؤمن

نباید بگوییم که ما فارسی زبانیم و نمی توانیم عبارات عربی را بفهمیم. مجموع عباراتی که در نماز خوانده می شود - از اول تا به آخر - یاد گرفتن آن برای آدمهای متوسط، یک ساعت هم کار ندارد؛ خیلی آسان است. کتابهایی هم نوشته شده که اینها را ترجمه کرده اند. اگر به معانی توجه کنید و بفهمید که مضمون این کلمات چیست و در آنها تدبر کنید، البته بهتر است. اگر این مقدار هم ممکن نشد، حداقل وقتی در حال سجده اید، بدانید که با خدا حرف می زنید؛ وقتی در حال رکوع اید، بدانید که پروردگار عالم را تعظیم می کنید؛ وقتی در حال قرائت و ذکر هستید، بدانید که با چه کسی حرف می زنید. نفس همین توجه، مهم است

اگر این توجه حاصل بشود و یاد خدا در نماز تأمین گردد - که "و لذكر الله اکبر" - این نماز برای شما "معراج المؤمن" خواهد بود و شما را عروج خواهد داد. عروج، همین است که شما در باطن خودتان، صفا و لطافت و نورانیت بیشتری را بعد

از نماز احساس می‌کنید. عبادات مالی هم، همین‌طور است. انواع عبادات، فرصتهایی برای ما هستند؛ لیکن ماه رمضان، یک فرصت استثنایی در دوران سال است

در این سی روز یا بیست و نه روز به‌طور مداوم، غیر از نمازهای موظف پنجگانه و نوافلی که همیشه انسان می‌تواند آنها را بخواند، دعاهایی هست که توجه به آن دعاها و خواندنشان، انسان را نورانیت مضاعفی می‌بخشد. این دعاها را در اختیار ما گذاشته‌اند. کیفیت حرف زدن و مناجات کردن با خدا را به ما یاد داده‌اند. معین کرده‌اند که چه حرفهایی را می‌شود با خدا زد. بعضی از این جملات ادعیه‌ی مأثوره از ائمه (علیهم‌السلام) هست که اگر اینها نبود، آدم نمی‌توانست خودش تشخیص بدهد که می‌شود با خدا با این زبان حرف زد و این‌طور از خدا خواست و التماس کرد

علاوه‌ی بر اینها، همین نفس روزه‌ی ماه رمضان است که یک زمینه‌ی روحانیت و نورانیت، برای روزه‌دار می‌باشد و او را برای کسب فیوضات الهی، آماده می‌کند. این، مجموعه‌ی ماه رمضان، با نماز و با وظایف مقررهی همیشگی و با روزه و با دعاهاش است که اگر شما به اینجا توجه کنید و تلاوت قرآن را هم به آن اضافه نمایید - که گفته‌اند ماه رمضان، بهار قرآن است - یک دوره‌ی بازسازی و بازیابی و نجات خود از پوسیدگیها و فسادها و امثال اینها خواهد بود؛ دوره‌ی خیلی مغتنمی است.

سیر الی‌الله در ماه مبارک رمضان

اصل قضیه این است که ما بتوانیم در ماه رمضان، این سیر الی‌الله را بکنیم و می‌شود. عرض کردم، گاهی که پس از پایان ماه رمضان، خدمت امام (رضوان‌الله تعالی‌علیه) می‌رسیدم، برایم محسوس بود که ایشان نورانی‌تر شده‌اند و حرف زدن و نگاه و اشاره و حرکت دست و اظهارنظرشان، با قبل از ماه رمضان فرق کرده است. دوره‌ی ماه رمضان، برای یک انسان مؤمن و والا، این‌طوری است. آن قدر به او و به قلب و باطنش، نورانیت می‌بخشد که انسان این را در مشاهده‌ی حضوری او حس می‌کند و از حرف زدنش می‌فهمد که نورانی‌تر شده است. بندگان خدا همین‌طورند. ما باید از این فرصت، خیلی استفاده کنیم.

یک نکته را در زندگی عملی خودمان عرض می‌کنم که شاید ان‌شاء‌الله برای خود من و برای همه‌ی شما برادران و خواهران، وسیله‌ی برای تحرک بهتر و بیشتر باشد. آن نکته، این است که برای نزدیکی به خدا، اصل قضیه، ترک گناهان است. انجام مستحبات و نوافل و توسلات و دعا و بقیه‌ی امور، فرع است. اصل قضیه، این است که انسان از صدور گناه و خلاف از خود، مانع بشود. این، همان تقوا را می‌طلبد. تقوا و پرهیزگاری، مهمترین - یا بگوییم اولی‌ترین - مظهری است که وجود انسان باید داشته باشد. همین است که مانع از گناه انسان می‌شود. گناه نمی‌گذارد که انسان، حتی خود را به لبه‌ی

دریای عظیم مغفرت الهی برساند و از آن استفاده کند. گناه نمی‌گذارد که ما حال دعا و توجه پیدا کنیم. گناه نمی‌گذارد که ما به فکر بازنگری و بازسازی خودمان بیفتیم. کوشش بکنیم از گناه فاصله بگیریم. این، شرط اول قضیه است

ترک گناهان زمینه‌ی استفاده از رحمت و مغفرت الهی را آماده می‌کند

باید زمینه‌ی استفاده از رحمت و مغفرت و افاضات معنوی الهی را آماده کرد و آن، با ترک گناه است. لذا شما در دعای کمیل می‌بینید که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) می‌فرماید: "اللهم اغفر لی الذنوب التي تحبس الدعاء". یعنی خدایا! آن گناهایی که دعای مرا حبس خواهد کرد، آنها را ببامرز. گناهان، مانع از اجابت دعا می‌شود. در همین شبها و سحرها، در دعای شریف ابوحمزه می‌خوانید: "فرق بینی و بین ذنبی المانع لی من لزوم طاعتک": خدایا! میان من و گناه فاصله بینداز؛ آن گناهی که مانع از انجام وظایفم می‌شود و باعث می‌گردد که نتوانم خودم را به تو نزدیک کنم. اصل قضیه، مسئله‌ی ترک گناه است

مهمترین حسن یک نظام و حکومت اسلامی در این است که فضا را، فضای گناه‌آلود نمی‌کند. در نظام‌های طاغوتی، فضا گناه‌آلود است. اگر انسان هم بخواهد گناه نکند، گویی برای او میسور نیست و همه چیز، انسان را به طرف گناه سوق می‌دهد. در نظام اسلامی، این‌طور نیست. در نظام اسلامی، فضا گناه‌آلود نیست. ... در نظام اسلامی، گناه نه فقط معیار پیشرفت نیست، بلکه ضد پیشرفت و ضد ارزش و معیار تنزل است

بنابراین، اصل قضیه، اجتناب از گناه است که باید سعی کنیم در این ماه رمضان، ان شاء الله با تمرین و حدیث نفس و ریاضت، گناه را از خودمان دور کنیم. اگر گناه از ما دور شد، آن وقت راه برای عروج و پرواز در ملکوت آسمانها ممکن خواهد شد و انسان خواهد توانست، آن سیر معنوی و الهی و آن طیران معین‌شده برای انسان را انجام بدهد؛ اما با سنگینی بار گناه، چنین چیزی ممکن نیست. این ماه رمضان، فرصت خوبی برای دور شدن از گناه است

فرازی از سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز یازدهم ماه مبارک رمضان) 1369/1/18

● اهمیت روزه و ره‌آورد عملی آن در ماه مبارک رمضان

روزه که از آن به‌عنوان تکلیف الهی یاد می‌کنیم، در حقیقت یک تشریف الهی است؛ یک نعمت خداست؛ یک فرصت بسیار ذی‌قیمت برای کسانی است که موفق می‌شوند روزه بگیرند؛ البته سختی‌هایی هم دارد. همه کارهای مبارک و مفید، از سختی خالی نیست. بشر بدون تحمل سختی‌ها به جایی نمی‌رسد. این مقدار سختی که در تحمل روزه‌گیری وجود دارد،

در مقابل آنچه که از روزه عاید انسان می‌شود، چیز کم و سرمایه اندکی است که انسان مصرف می‌کند و سود بسیاری را می‌برد.

فرازی از خطبه های نماز جمعه 1378/9/26

روزه فقط این نیست که انسان نخورد و نیاشامد. این نخوردن و نیاشامیدن، باید از روی نیت باشد، و الا اگر شما یک روز به خاطر گرفتاری و یا اشتغال به کار، دوازده ساعت، پانزده ساعت فرصت نکنید چیزی بخورید، هیچ ثوابی به شما نخواهند داد. اما همین امساک را وقتی با نیت انجام دادید - «اجعلنا ممن نوى فعمل»؛ نیت کند و به دنبال آن، عمل انجام دهد - این همان گوهر درخشانی می‌شود که به شما ارزش می‌بخشد و روحتان را قیمتی می‌کند.

شرط روزه، نیت است. نیت یعنی چه؟ یعنی این عمل را، این حرکت را، این امساک و تمرین را، جهت دادن برای خدا، در راه خدا، به خاطر انجام دستور الهی. این است که به هر کاری ارزش می‌بخشد. لذا در دعای شب اول ماه مبارک می‌خوانید که: «اللهم اجعلنا ممن نوى فعمل ولا تجعلنا ممن شقى فکسل» (الاقبال باعمال الحسنه، ج 1، ص 1376). کسالت، بی‌رغبتی و بی‌نشاطی برای کار چه کار معنوی و چه کار مادی - شقاوت است.

روزه، یکی از بهترین کارهاست. با این که به ظاهر اقدام نکردن است؛ اما در باطن اقدام است، عمل است، کار مثبت است. چون شما نیت این کار را دارید؛ لذا از هنگامی که وارد صحنه روزه‌داری می‌شوید - یعنی از بعد از لحظه طلوع فجر - تا آخر روز به طور دائم به خاطر این نیت، در حال عبادتید. اگر هم بخوابید، عبادت می‌کنید. همین‌طور راه بروید، عبادت می‌کنید.

این که از قول نبی اکرم علیه و آله الصلاه والسلام نقل شده است که فرمود: «انفاسکم فیه تسبیح و نومکم فیه عبادة» (امالی شیخ صدوق، ص 84)؛ خوابیدن و نفس کشیدن شما عبادت است، خواب چطور عبادت می‌شود؟ نفس کشیدن چطور «سبحان الله» گفتن می‌شود؟ این به خاطر آن است که شما بی‌کار هم که باشید، هیچ اقدامی هم که نکنید، چون با این نیت وارد این وادی شده‌اید، یکسره در حال عبادتید.

در روایت دیگر می‌فرماید: «نوم الصائم عبادة و صمته تسبیح» (ثواب الاعمال، ص 75)؛ سکوت هم که می‌کنید، مثل این است که «سبحان الله» می‌گویید. و «عمله متقبل و دعائه مستجاب» (ثواب الاعمال، ص 75)؛ عمل شما مقبول، و دعایتان مستجاب است. سکوت شما عبادت است، نفس کشیدن شما عبادت است، خوابیدن شما عبادت است. چرا؟ چون شما این امساک و این دست کشیدن از بخشی از لذات جسمانی را، برای خدا در یک مدت سی روزه - ماه رمضان - تجربه می‌کنید.

همه این عبادت و دیگر عبادات، برگرد این محور می‌گردد که انسان با مشتتهیات نفسانی و با لذایذی که انسان را به پستی می‌کشانند و برده می‌کنند، مبارزه کند

یک روایت از امام صادق علیه‌الصلاة والسلام است که خطاب به «محمد بن مسلم» می‌فرماید: «یا محمد! اذا صمت فلیصم سمعک و بصرک و لسانک و لحمک و دمک و جلدک و شعرک و بشرک» (المقنعة، ص 310). امام صادق به این یار و شاگرد نزدیک خودشان می‌فرمایند که وقتی روزه می‌گیری، باید شنوایی تو روزه‌گیر باشد، بینایی تو روزه بگیرد، زبان تو روزه بگیرد، گوشت و خون و پوست و موی و بشره تو روزه‌دار باشد؛ دروغ نگویی، انسانهای مؤمن را دچار بلا نکنی، دل‌های ساده را اغوا نکنی، برای برادران مسلمان و جامعه اسلامی توطئه درست نکنی، بدخواهی نکنی، بددلی نکنی، تهمت نزنی، کم‌فروشی نکنی، امانتداری کنی. انسانی که در ماه رمضان با کفِ نفس خود، از خوردن و آشامیدن و مشتتهیات نفسانی و جنسی روزه می‌گیرد، باید زبان خود، چشم خود، گوش خود، و همه اعضا و جوارح خود را روزه‌دار ... بداند و خود را در محضر خدای متعال و دوری‌گزیده از گناهان بینگارد

در یک روایتی دیگر می‌فرماید: «صوم النفس امساک الحواس الخمس عن سائر المأثم» (غررالحکم: ح 5889). از امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام نقل شده است که روزه نفس، غیر از روزه جسم و روزه شکم است. روزه نفس انسان این است که همه حواس پنجگانه او از گناهان امساک کنند. «و خلّو القلب من جمیع اسباب الشرّ»؛ دل از همه موجبات و اسباب شرّ و فساد خالی شود، با خدای متعال و با بندگان خدا، دل را صاف و بی‌غلّ و غش کنیم. در این جهت، روایات زیادی هست

فرازی از خطبه‌های مقام معظم رهبری در اولین جمعه ماه مبارک رمضان 12/10/1376

این ماه، ماه روزه است؛ ماه نزول قرآن و انس با قرآن است؛ ماه عبادت و دعا و مناجات است - که دعا مغز و روح عبادت است - ماه استغفار و توبه و بازگشت از راههای ناپسند نزد خدای متعال و رعایت تقوای الهی است؛ ماه جهاد است - که در این ماه مبارک، غزوه‌ی بدر در سال دوم هجرت، و فتح مکه در سال هشتم هجرت، و شروع غزوه‌ی حنین در همان سال اتفاق افتاده است - ماه جهاد با نفس و جهاد با شیطان و جهاد با دشمنان خداست؛ ماه آمادگی و ماه ذخیره‌ی تقواست؛ ماه صله‌ی رحم، صدق و برّ با برادران دینی، آشنایی با معارف، آشنایی و تدبیر در قرآن، و خلاصه ذخیره کردن سرمایه‌ی حرکت الهی در طول یک سال است. امید است که روزهای گذشته را با عمل بر وفق مقتضیات این ماه گذرانده باشیم و روزهای آینده را بیشتر قدر بدانیم و در کار نفس خود، در معامله‌ی با احکام الهی، در برخورد با مردم، در تدبیر و ارتباط با قرآن، و در تصمیم و عزم بر مجاهدت با نفس، یک تصمیم جدی و یک اقدام قاطع انجام بدهیم

ورود این ماه را به هم تبریک بگویند و یکدیگر را به استفاده‌ی هر چه بیشتر از این ماه توصیه کنند. چون ماه ضیافت الهی است، در این ماه فقط مؤمنین و کسانی که اهل ورود در این ضیافتند، بر سر سفره‌ی پروردگار منان و کریم می‌نشینند. این، غیر از سفره‌ی عام کرم الهی است که همه‌ی انسانها، بلکه همه‌ی موجودات عالم از آن بهره‌مندند؛ این، سفره‌ی خواص و ضیافت خاصان پروردگار است.

بخشی از مسایل مهم مربوط به این ماه، در ذیل این آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی بقره و آیات بعد از آن ذکر شده است، که من گوشه‌ی کوچکی از آن را در این خطبه عرض می‌کنم.

اولا می‌فرماید: "کتب علیکم الصیام كما کتب علی الذین من قبلکم". ما می‌دانیم که نماز و زکات، مخصوص امت اسلام نبوده است؛ بلکه پیامبران قبل از رسول اکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) در صدر احکام خود، نماز و زکات را داشته‌اند. "و اوصانی بالصلوه و الزکوه ما دمت حیا" از قول حضرت عیسی (ع) است که به مخاطبان خود می‌فرماید: خدا من را به نماز و زکات وصیت کرده است. از آیات دیگر قرآن هم این معنا استفاده می‌شود. آیه‌ی اولی که تلاوت کردم، می‌فرماید: روزه هم مثل نماز و زکات، در شمار احکامی است که مخصوص امت اسلام نیست؛ بلکه امم سابق و پیامبران گذشته هم مأمور به روزه بوده‌اند.

روزه پلکانی به سمت تقوا

در بنای زندگی معنوی انسانها در هر زمان، همچنان که نماز لازم است و این نماز، رابطه‌ی معنوی میان انسان و ... خداست، و همچنان که زکات لازم است و این نکات، تزکیه‌ی مالی انسان می‌باشد، روزه هم واجب و ضروری است و این یکی از پایه‌های اصلی تکامل انسان و تعالی معنوی اوست؛ والا در طول زمان و با تغییر ادیان مختلف، این خط، ثابت و مستمر نمی‌ماند.

البته روزه، در ادیان مختلف و زمانهای گوناگون و به شکلهای دیگر وجود دارد؛ اما گرسنگی کشیدن و اندرون را از طعام خالی داشتن و لب و زبان و دهان را در ساعات معینی بر روی تمتعات جسمانی بستن، خصوصیتی است که در روزه‌ی ادیان مختلف وجود دارد. پس، روزه یک رکن اساسی در تعالی معنوی و تکامل روحی و هدایت و تربیت انسانی است. بعد می‌فرماید: "لعلکم تتقون". یعنی این روزه، پلکانی به سمت تقوا و وسیله‌ی برای تأمین آن در وجود و دل و جان شماست. تقوا این است که انسان در همه‌ی اعمال و رفتار خود مراقب باشد که آیا این کار مطابق رضای خدا و امر الهی است، یا نه. این حالت مراقبت و پرهیز و برحذر بودن دائمی، اسمش تقواست.

نقطه‌ی مقابل تقوا، غفلت و بی‌توجهی و حرکت بدون بصیرت است. خدا، ناهوشیاری مؤمن را در امور زندگی نمی‌پسندد. مؤمن باید در همه‌ی امور زندگی، چشم باز و دل بیدار داشته باشد.

اگر ملتی یا فردی دارای تقوا بود، تمام خیرات دنیا و آخرت برای او جلب خواهد شد. فایده‌ی تقوا، فقط برای کسب ... رضای پروردگار و نیل به بهشت الهی در قیامت نیست؛ فایده تقوا را انسان با تقوا در دنیا هم می‌بیند. جامعه‌ای که با تقواست، جامعه‌ای که راه خدا را با دقت انتخاب می‌کند و با دقت نیز در آن راه حرکت می‌کند، از نعم الهی در دنیا هم برخوردار می‌شود، عزت دنیوی هم به دست می‌آورد و خدا علم و معرفت در امور دنیا هم به او می‌دهد. جامعه‌یی که در راه تقوا حرکت می‌کند، فضای زندگی آن جامعه، فضای سالم و محبت‌آمیز و همراه با تعاون و همکاری بین آحاد جامعه است.

تقوا، کلید خوشبختی دنیوی و اخروی است. بشریت گمراه که از انواع سختیها و رنجهای شخصی و اجتماعی می‌نالند، چوب بی‌تقوایی و غفلت و بی‌توجهی و غرق شدن در منجلا بی که شهواتش برای او فراهم کرده است، می‌خورد. جوامعی که عقب افتاده‌اند، حالشان معلوم است. جوامع پیشرفته‌ی عالم هم، اگرچه از بعضی جهات خوشبختی‌هایی دارند - که همان هم ناشی از هوشیاری و بیداری در بعضی از امور زندگی است - اما دچار خلاها و کمبودهای مرگباری هستند که نویسندگان و گویندگان و هنرمندان آنها، امروز با صد زبان آن را بیان می‌کنند.

تقوا، وصیت اول و آخر پیامبران است. در سوره‌های مختلف قرآن می‌خوانید، اولین سخنی که انبیای الهی به مردم گفته‌اند، توصیه به تقوا بوده است. اگر تقوا باشد، هدایت الهی هم هست؛ و اگر تقوا نباشد، هدایت الهی هم به صورت کامل نصیب فرد و جامعه نمی‌شود. این روزه، مقدمه‌ی تقواست.

خداوند در یک آیه‌ی دیگر از سوره حدید می‌فرماید: "یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و امنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته و یجعل لکم نورا تمشون به". تقوا موجب می‌شود که خدای متعال نوری را در قلب و زندگی و راه شما قرار بدهد، تا بتوانید در پرتو آن نور حرکت کنید و راه زندگی را پیدا نمایید. بشر نمی‌تواند با سردرگمی حرکت کند. بدون شناختن مقصد و هدف، حرکت انسانی میسر نیست. این نوری که می‌تواند هدف و سرمنزل و راه را به ما نشان بدهد، ناشی از تقوا و پرهیزکاری است. توصیه همه‌ی انبیا و اولیا به تقواست.

ماه رمضان را مغتنم بشمارید. این روزها را با روزه‌داری، و این شبها را با ذکر و دعا به سر ببرید. فصل دعا هم، همین ... ماه مبارک است. اگرچه همیشه انسان باید با رشته‌ی دعا به خدا متصل باشد، اما آیه‌ی "و اذا سألك عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوه الداع اذا دعان" در سوره‌ی بقره، در خلال همین آیات مبارکه‌ی مربوط به روزه و ماه رمضان است. در

وسط آیات روزه و ماه رمضان، این آیه‌ی "و اذا سألك عبادى عنى فانى قريب" آمده، که همه‌ی انسانها و همه‌ی بندگان را به دعا و توجه سوق می‌دهد و دعوت می‌کند.

رابطه‌ی دعا، رابطه‌ی قلبی شما با خداست. دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن. خواستن، یعنی امیدواری. تا امید نداشته باشید، از خدا چیزی را درخواست نمی‌کنید. انسان ناامید که چیزی طلب نمی‌کند. پس، دعا یعنی امید. که ملازم با امید به اجابت است. این امید به اجابت، دلها را مشعل می‌کند و منور نگه می‌دارد. به برکت دعا، جامعه بانشاط و اهل حرکت می‌شود.

این ماه، همچنین بهار قرآن است. انس با قرآن، معرفت اسلامی را در ذهن ما قوی‌تر و عمیق‌تر می‌کند.

اگر در آیات قرآن تأمل بکنیم، اراده و استقامت ما قوی‌تر و بیشتر از این خواهد شد. همین آیات قرآنی است که توانست در روزگاری، انسانهایی را تربیت کند که با دنیای کفر و ظلمات بستیزند. همین معارف است که ملت بزرگ ما را وادار کرد و مجهز نمود که با دنیای مدرن مظلوم جاهلیت - جاهلیت مدرن و جاهلیت قرن بیستم - مقابله کند. امیدواریم که ملت ما روزبه‌روز به قرآن و حقایق قرآنی نزدیک‌تر بشوند.

فرازی از خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 1369/1/10

• (روزه در کلام معصومین دع)

مراحل روزه

سه مرحله برای روزه ذکر کرده‌اند؛ هر سه مرحله هم برای کسانی که اهل آن هستند، مفید است. یک مرحله، همین مرحله‌ی عمومی روزه است؛ یعنی پرهیز از خوردن و نوشیدن و سایر محرّمات. اگر تنها محتوای روزه ما همین امساک باشد، این منافع زیادی دارد. هم ما را می‌آزماید و هم به ما می‌آموزد؛ هم درس هست، هم آزمایش برای زندگی است. تمرین و ورزش است؛ یک ورزش بسیار با اهمیت‌تر از ورزش جسمانی در این کار وجود دارد. روایاتی از ائمه علیهم‌السلام وارد شده است که به همین مرحله از روزه توجه دارد. یک روایت از امام صادق علیه‌السلام و السلام است که می‌فرماید: «لیستوی به الغنی و الفقیر» (فضائل الاشهر الثلاثة، ص 102) خدای متعال روزه را واجب کرده است، تا در این ساعات و روزها، فقیر و غنی با یکدیگر برابر شوند. انسانی که تعیدست و فقیر است، نمی‌تواند در طول روز هرچه هوس کرد، بخرد و بخورد و بیاشامد؛ اما آدمهای غنی، در طول روز، هرچه که هوس می‌کنند و هرچه که می‌خواهند، برایشان فراهم است. غنی، حال فقیر و گرسنگی فقیر و تعیدستی او را از به‌دست آوردن چیزهایی که مورد اشتغای اوست، درک نمی‌کند؛ اما در روزی که روزه می‌گیرد، همه یکسانند و با اختیار خودشان، از مشتهیات نفسانی محرومند. یک روایت دیگر

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که به نکته دیگری اشاره دارد. می‌فرماید: «لکی يعرفوا الم الجوع و العطش و يستدلوا علی فقر الآخره» (علل الشرایع، ص 270) در این روایت، به تهیدستی و گرسنگی و تشنگی روز قیامت اشاره می‌شود. در روز قیامت، یکی از ابتلائات انسان، تشنگی و گرسنگی است که در آن حالت، انسان در مقابل مؤاخذه و سؤال و جواب الهی قرار می‌گیرد. انسان باید در گرسنگی و تشنگی روز ماه رمضان، به آن حالت روز قیامت توجه کند و به آن لحظه بسیار سخت و دشوار متنبّه شود.

باز روایت دیگری از امام رضا علیه السلام است که به بُعد دیگری از ابعاد روزه در همین مرحله گرسنگی و تشنگی کشیدن توجه می‌کند. آن، این است که می‌فرماید: «صابراً علی ما اصابه من الجوع و العطش» (علل الشرایع، ص). قدرت صبر به انسان داده می‌شود که بتواند گرسنگی و تشنگی را تحمل کند. انسانهای نازپرورده - کسانی که معنای گرسنگی و تشنگی را نچشیده‌اند و نفهمیده‌اند - قدرت صبر و تحمل هم ندارند؛ در بسیاری از میدانها، خیلی زود از پا درمی‌آیند و امتحانهای گوناگون زندگی، آنها را درهم می‌فشرود و له می‌کند. انسانی که گرسنگی و تشنگی را چشیده است، معنای اینها را می‌داند و در مقابل دشواریهایی که از این راه ممکن است پیش بیاید، قدرت تحمل دارد. ماه رمضان، این قدرت تحمل و این صبر را به همه می‌دهد. یک روایت دیگر هم در همین زمینه عرض می‌کنم که آن هم از امام رضا علیه الصلاه والسلام است؛ گرچه شاید این یکی، دو مورد، فقره‌های یک حدیث باشد. «و راضاً لهم علی اداء ما کلفهم» (علل الشرایع، ص 270)؛ یعنی تحمل گرسنگی و تشنگی و اجتناب از مشتتهیات نفسانی در روز ماه رمضان، یک نوع ریاضت است که انسان را بر اداء تکالیف گوناگون زندگی قادر می‌سازد. البته منظور، ریاضت های شرعی و ریاضت های الهی و ... ریاضت های اختیاری است

مرحله دوم روزه، پرهیز از گناه است؛ یعنی نگاهداری گوش و چشم و زبان و دل - حتی طبق بعضی از روایات - نگاهداری بشره انسان، پوست بدن و موی بدن انسان از گناه. ... اجتناب از گناه، چیزی است که مثل یک کوه در چشم انسان جلوه می‌کند؛ اما با تصمیم، مثل یک زمین هموار می‌شود. در ماه رمضان، بهترین فرصت است که همه این را تمرین بکنند. روایت دیگری از فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل شده است که فرمود: «ما یصنع الصائم بصیامه اذا لم یصن لسانه و سمعه و بصره و جوارحه» (النوادر: 22)؛ انسان از روزه چه بهره‌ای خواهد برد، اگر زبان و گوش و چشم و جوارح خود را از گناه باز ندارد؟

و از جمله این گناهان، گناهان زبان است؛ بدگویی و اهانت به دیگران است. از جمله این گناهان، گناهان دل است؛ دشمنی و کینه دیگران را در دل پروراندن است. بعضی گناهان به معنای اصطلاح شرعی است؛ بعضی گناهان اخلاقی است؛ مراتب گوناگونی دارد

مرحله سوم از روزه‌داری، پرهیز از هر چیزی است که ذهن و ضمیر انسان را از یاد خدا غافل کند. این، آن مرحله بالای روزه‌داری است که در حدیث آن‌طور که وارد شده است، پیامبر به حضرت پروردگار (جَلَّتْ عَظْمَتُهُ) عرض می‌کند: «یا رَبِّ و ما میراث الصَّوم»؛ دستاورد روزه چیست؟ ذات اقدس ربوبی فرمود: «الصوم یورث الحکمة و الحکمة تورث المعرفة و المعرفة تورث الیقین فاذا استیقن العبد لا یبالی کیفه اصبح بعسر ام بیسر» (بحارالانوار: ج 77، ص 27)؛ روزه سرچشمه‌های حکمت را در دل می‌جوشاند. وقتی که حکمت بر دل حاکم شد، آن معرفت نورانی و روشن به‌وجود می‌آید. معرفت که به‌وجود آمد، همان یقینی به‌وجود می‌آید که حضرت ابراهیم از خدای متعال آن را می‌خواست و در دعاهای این ماه مرتب درخواست شده است. وقتی کسی دارای یقین بود، همه دشواریهای زندگی بر او آسان می‌شود و انسان شکست‌ناپذیر از حوادث می‌گردد. ببینید چقدر اهمیت دارد! این انسانی که می‌خواهد در مدت سالهای عمر خود، یک راه تعالی و تکامل را بیپیماید، در مقابل مشکلات و حوادث زندگی و موانع راه، شکست‌ناپذیر می‌شود. یقین، چنین حالتی به انسان می‌دهد. اینها ناشی از روزه است. وقتی که روزه یاد خدا را در دل زنده کرد و فروغ معرفت خدا را در دل به‌وجود آورد و دل را روشن نمود، اینها به دنبالش می‌آید. هر چیزی که انسان را از یاد خدا غافل کند، به روزه برای این مرحله مضر است. خوشا به‌حال کسانی که می‌توانند خود را به این مرحله برسانند. البته ما باید آرزو کنیم و از خدا بخواهیم و همت کنیم که خودمان را به این مرحله برسانیم.

فرازی از خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران به امامت حضرت آیه‌الله خامنه‌ای 1378/9/26

برای این که از فضای ماه مبارک بهره‌مند شویم، این حدیث را عرض می‌کنم و اندکی درباره‌ی آن صحبت می‌کنم. حدیث صحیح معتبر از پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) این است: «الصَّوْمُ جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ»؛ روزه، سپر آتش است. از طرق اهل سنت هم همین مضمون با الفاظ مختلف نقل شده است؛ از جمله این لفظ: «الصَّيَامُ جَنَّةُ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ آتش دوزخ است. آخراً هم به‌وسیله‌ی روزه از خودتان در مقابل تعرض آتش دوزخ دفاع می‌کنید.

روزه، مظهر کف نفس

خصوصیت روزه چیست که تعبیر «جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ» درباره‌ی آن بیان شده است؟ خصوصیت روزه عبارت است از کفّ نفس. روزه، مظهر کفّ نفس است؛ «و نهی النَّفْسِ عَنِ الْهَوَى». مظهر صبر در مقابل گناه و غلبه‌ی مشتغیات، روزه است. لذا در روایات، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» صبر را به روزه تعبیر کرده‌اند. روزه، مظهر گذشت از خواسته‌هاست

لیله‌القدر: شب سلامت معنوی و شب نزول برکات الهی •

ماه رمضان، وقت استغفار و دعا و انابه است. دو شب از شبهای مشتبه به قدر و محتمل القدریه گذشت - شب نوزدهم و شب بیست و یکم - اما شب بیست و سوم در پیش است؛ آن را قدر بدانید. از اول شب بیست و سوم، از هنگام غروب آفتاب، سلام الهی - «سلام هی حتی مطلع الفجر» (قدر: 5) - شروع می‌شود، تا وقتی که اذان صبح آغاز می‌گردد.

این چند ساعت این وسط، سلام الهی و امن الهی و خیمه رحمت خداست که بر سراسر آفرینش زده شده است. آن شب، شب عجیبی است؛ بهتر از هزار ماه، نه برابر آن؛ «خیر من ألف شهر» (قدر: 3). هزار ماه زندگی انسان، چقدر می‌تواند برکات به وجود آورد و جلب رحمت و خیر کند! این یک شب، بهتر از هزار ماه است. این، خیلی اهمیت دارد. این شب را قدر بدانید و آن را به دعا و توجه و تفکر و تأمل در آیات خلقت و تأمل در سرنوشت انسان و آنچه که خدای متعال از انسان خواسته است و بی‌اعتباری این زندگی مادی و این که همه این چیزهایی که می‌بینید، مقدمه آن عالمی است که لحظه جان دادن، دروازه آن عالم است، بگذرانید.

فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران 11/12/1375

در ماه رمضان هم - در همه روزها و شبها - دل‌هایتان را هرچه می‌توانید با ذکر الهی نورانی تر کنید. تا برای ورود در ساحت مقدس لیلۃ‌القدر آماده شوید، که: «لیله‌القدر خیر من الف شهر. تنزل الملائکة والروح. فیها یاذن ربهم من کل امر» (قدر: 3 و 4). شبی که فرشتگان، زمین را به آسمان متصل می‌کنند، دلها را نور باران و محیط زندگی را با نور فضل و لطف الهی منور می‌کنند. شب سلم و سلامت معنوی - سلام هی حتی مطلع الفجر (قدر: 5) - شب سلامت دلها و جانها، شب شفای بیماریهای اخلاقی، بیماریهای معنوی، بیماریهای مادی و بیماریهای عمومی و اجتماعی که امروز متأسفانه دامان بسیاری از ملت‌های جهان، از جمله ملت‌های مسلمان را گرفته است! سلامتی از همه اینها، در شب قدر ممکن و میسر است؛ به شرطی که با آمادگی وارد شب قدر شوید.

دعا و توجه شما، ذکر خدا در دل‌های پاک و نورانی شما جوانان عزیز، معجزه‌ها و کارها می‌کند. خود را از اکنون آماده کنید. مخصوص این ایام هم نیست؛ در تمام عمرتان رابطه با خدا، در شما صفا و اخلاص را تقویت می‌کند و صفا و اخلاص، گره‌گشای همه کارهاست.

ماه رمضان، ماه ذخیره‌سازی و ماه نیرو گرفتن است. ماه رمضان، ماهی است که آحاد مردم باید خود را به خزائن غیبی و معنوی الهی برسانند و هر مقدار که می‌توانند، تغذیه کنند؛ خود را برای پیشرفت آماده کنند. این، ماه رمضان است. لیلَةُ الْقَدْرِ که در این ماه رمضان است و قرآن صریحاً می‌فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (قدر: 3)، یک شب بهتر است از هزار سی روز - هزار ماه - بسیار مهم است. چرا این قدر فضیلت را به یک شب دادند؟ زیرا برکات الهی در این شب زیاد است؛ نزول ملائکه در این شب زیاد است؛ این شب، سلام است؛ «سلام هی حتی مطلع الفجر» (قدر: 5)؛ از اوّل تا آخر این شب، لحظاتش سلام الهی است. «سلام قولاً من ربّ رحیم» (یس: 58). رحمت و فضل الهی است که بر بندگان خدا نازل می‌شود.

لیلَةُ الْقَدْرِ، شب ولایت است. هم شب نزول قرآن است، هم شب نزول ملائکه بر امام زمان است، هم شب قرآن و شب اهل بیت است، هم شب قرآن و هم شب عترت است. لذا سوره مبارکه قدر هم، سوره ولایت است

شب قدر خیلی ارزش دارد. همه ماه رمضان، شبها و روزهایش ارزش والا دارد. البته لیلَةُ الْقَدْرِ نسبت به روزها و شبهای ماه رمضان، خیلی فاخرتر است؛ اما شبها و روزهای ماه رمضان، نسبت به روزها و شبهای بقیه سال، خیلی فاخرتر است. باید قدر بدانید. در این روزها و در این شبها، همه بر سر سفره انعام الهی حاضرید. استفاده کنید

در این ماه، هر کار نیکی بکنید، هر سخن حقی بگویید، هر کلمه‌ای را به کسی که محتاج تعلیم است، تعلیم دهید، هر کلمه‌ای که برای خدا فراگیرید و در راه خدا به کار شما بیاید؛ هر رکعت نماز، هر آیه قرآن، هر ساعت گذراندن با دهان روزه و هر اجتناب از گناهی، بارزش است. دروغی نگویید و غیبتی نکنید که زمینه برای دروغ و غیبت مقتضی است. شما اجتناب و امتناع کنید

هر عمل حسنه‌ای که انجام دهید، احسان، اطعام و کمک به کسی، احوالپرسی از مستحق، اقدامی برای مردم محروم، اقدامی برای جامعه اسلامی، کاری برای پیشرفت زندگی مردم؛ همه اینها عبادت است

